





دانشگاه امام صادق علیه السلام

دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

واکاوی اعتبارسنجی و گونه‌شناسی دلالتی روایات فقه پزشکی:

با بررسی تطبیقی احادیث طبى الكافى

استاد راهنما

حجت‌الاسلام دکتر احمدعلی قانع

استاد مشاور

آیت الله محمدحسن گلی شیردار

دانشجو

امیرعلی ابراهیمی

تابستان ۱۳۹۸

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس و... از این پایان

نامه کارشناسی ارشد برای دانشگاه امام صادق علیه السلام محفوظ است.

نقل مطالب با ذکر ماخذ بلامانع است.



## چکیده:

فقه پزشکی از جمله حوزه‌های نو ظهور در مسائل و پژوهش‌های فقهی می‌باشد که واکاوی و تبیین مولفه‌ها و مسائل آن، از جمله ضرورت‌های اساسی در فقه می‌باشد که تبیین بیش از پیش هر یک از این مولفه‌ها و مسائل، می‌تواند نقش قابل ملاحظه‌ای در بسط نظریات فقهی داشته‌باشد و علاوه بر نشان دادن ظرفیت‌های دانش فقه، پاسخ‌های کارآمد و پویا به چالش‌های موجود نیز ارائه کند؛ این پژوهش با مورد تاکید قراردادن این دغدغه، در تلاش است گام‌های نخستین در پیشرفت مسائل و چالش‌های فقه پزشکی را ارائه کند که در فصل اول، کلیات و مفاهیم پژوهش حاضر را مورد واکاوی قراردادده است؛ در فصل دوم مبانی فهم و ملاک‌های اعتبار سنی و چگونگی پالایش احادیث و روایات طبی مورد تاکید قرار گرفته‌است؛ در فصل سوم نیز فرآیند گونه‌شناسی و اعتبارسنجی روایات وجهه همت این پژوهش بوده است که با طبقه‌بندی انواع و گونه‌های روایات، درجه اعتبار و وثاقت هر یک از روایات مورد بررسی قرار گرفته‌است. وازگان کلیدی: علم الطب، اصول الفقه، قلمرو دین، فقه.

## فهرست مطالب

۱	فصل اول: کلیات و مفاهیم
۱	۱-۱ مقدمه
۱	۲-۱ طرح مسئله و ضرورت آن
۵	۳-۱ سؤالات پژوهش و فرضیه
۵	۴-۱ سابقه ی پژوهش
۶	۵-۱ بررسی مفاهیم فقه، فقه پزشکی، دین حداقلی و حداکثری، رسالت فقه
۶	۱-۵-۱ بررسی مفهوم فقه
۶	۱-۱-۵-۱ معنی لغوی
۷	۲-۱-۵-۱ معنی اصطلاحی
۷	۲-۵-۱ رسالت فقه
۸	۳-۵-۱ فقه پزشکی
۸	۴-۵-۱ دین حداقلی
۹	۵-۵-۱ دین حداکثری
۱۰	۶-۱ بررسی تحلیلی جایگاه روایات پزشکی
۱۱	۷-۱ واکاوی نظریات علمی در خصوص ضرورت و کیفیت نظامات فقهی - دینی
۱۲	۸-۱ اهمیت ارائه ی الگوی کشف فقه نظام الصحه
۱۳	۹-۱ معناشناسی نظام در حوزه ی فقه پزشکی
۱۴	۱-۹-۱ معنای اصطلاحی نظام
۱۵	۱۰-۱ پیشینه شناسی تحلیل طب اسلامی، سنتی و جدید
۱۵	۱-۱۰-۱ جریان نافی طب‌های سنتی و اسلامی
۱۵	۲-۱۰-۱ جریان طب روایی (طب اسلامی بالمعنی الأخص)
۱۷	۱۱-۱ مبانی و چالش های تعامل طب و دین
۱۷	۱-۱۱-۱ ملاحظه زمان و شخص مخاطب
۱۸	۲-۱۱-۱ اشکال به شخصی دانستن روایات و پاسخ به آن
۱۸	۱۲-۱ روایات طبی و قلمرو دین
۱۹	۱-۱۲-۱ مدعای اول: عدم شمول قلمرو دین نسبت به عرصه طب و بهداشت
۱۹	۱-۱۲-۱-۱ عدم ارایه نظام واره جامع در زمینه عرصه طب و بهداشت

- ۲۰ ۲-۱۲-۱ روایات ناظر به وضعیت بهداشت در عصر صدور روایات
- ۲۲ ۳-۱۲-۱ روایات ناظر به بهداشت بدن
- ۲۳ ۲-۱۲-۱ وجود پزشکان در دوران اهل بیت(ع) و مراجعه آنان به پزشکان
- ۲۵ ۳-۱۲-۱ مدعای دوم: عدم راهیافت خطا در متن روایات طبی
- ۲۵ ۱-۳-۱۲-۱ راهیافت خطا در روایات طبی
- ۲۶ ۲-۳-۱۲-۱ حجیت مطلق روایات طبی

## ۲ فصل دوم: مبانی فهم، اعتبار و پالایش روایات طبی با رویکرد فقه الحدیثی

- ۲۸ ۱-۲ قلمروشناسی دین و سلامت
- ۳۰ ۲-۲ جامعیت دین اسلام
- ۳۳ ۳-۲ جامعیت دین و سلامت
- ۳۶ ۴-۲ روایات طبی و قلمرو دین در فقه پزشکی
- ۳۶ ۱-۴-۲ نظریه شمول فقه و دین در تمامی علوم و نقد آن
- ۳۶ ۱-۱-۴-۲ گستردگی دین در همه علوم و روش‌ها
- ۳۶ ۲-۱-۴-۲ تفاوت گفتمان جامعیت علمی با نظام‌سازی
- ۳۷ ۲-۴-۲ نظریه شمول اسلام در همه علوم
- ۳۸ ۱-۲-۴-۲ نقد نظریه نخست
- ۳۹ ۳-۴-۲ دیدگاه حداقلی
- ۴۰ ۱-۳-۴-۲ نقد نظریه حداقلی
- ۴۱ ۴-۴-۲ نظریه تعدیل در دو دیدگاه پیشین
- ۴۱ ۵-۴-۲ نظریه برگزیده
- ۴۲ ۵-۲ دیدگاه‌ها درباره ی مبانی فقهی قلمروشناسی روایات پزشکی
- ۴۲ ۱-۵-۲ وحیانی بودن علم طب
- ۴۳ ۲-۵-۲ نظریه بشری بودن طب
- ۴۴ ۳-۵-۲ دیدگاه تفصیل میان وحی و تجربه بشری
- ۴۵ ۶-۲ بررسی تطبیقی گفتمان‌های مربوط به منشأ علم طب در اقوال و نظریات فقها و اندیشمندان اسلامی
- ۴۵ ۱-۶-۲ منشأ علم طب، آراء و نظریات مکاتب مختلف
- ۴۵ ۲-۶-۲ وحیانی و توقیفی بودن علم طب
- ۵۱ ۳-۶-۲ روایات دال بر وحیانی بودن طب
- ۵۲ ۴-۶-۲ غیر وحیانی بودن علم طب و احادیث طبی

۵۵	۵-۶-۲	روایات دال بر بشری و غیر وحیانی بودن طب
۵۶	۶-۶-۲	جمع بندی منشأ علم طب
۵۸	۷-۲	چالش های فقه الحدیثی طبی
۵۹	۸-۲	مبنای روشمند در تحلیل احادیث طبی
۵۹	۱-۸-۲	نگاه روش مند به احادیث طبی
۶۳	۹-۲	مبانی حجیت، مسئله‌ی اخبار آحاد، اصول استنباط مرتبط با فقه الصحه
۶۳	۱-۹-۲	درآمد
۶۴	۲-۹-۲	جایگاه سند در حجیت روایات طبی
۶۵	۳-۹-۲	حجیت خبر واحد از دیدگاه علما
۶۵	۱-۳-۹-۲	حجیت خبر واحد به صورت مطلق
۶۵	۲-۳-۹-۲	حجیت خبر واحد در غیر عقاید
۶۶	۳-۳-۹-۲	عدم حجیت خبر واحد در غیر فقه
۶۷	۴-۳-۹-۲	قائلان به عدم حجیت خبر واحد
۶۷	۴-۹-۲	خبر واحد و روایات طبی
۶۸	۱-۴-۹-۲	جایگاه متن در حجیت روایات طبی
۶۸	۵-۹-۲	معیارهای سنجش متن حدیث
۶۸	۱-۵-۹-۲	عدم مخالفت حدیث با قرآن کریم
۶۹	۲-۵-۹-۲	عدم مخالفت حدیث با سنت قطعی
۷۰	۳-۵-۹-۲	عدم مخالفت حدیث با عقل
۷۱	۴-۵-۹-۲	عدم مخالفت حدیث با تاریخ صحیح
۷۱	۵-۵-۹-۲	عدم رکاکت حدیث
۷۲	۶-۵-۹-۲	عدم مخالفت با مشهور
۷۲	۷-۵-۹-۲	عدم مطابقت با تعالیم یهودی (اسرائیلیات)
۷۲	۸-۵-۹-۲	عدم مخالفت حدیث با تجربه و علم روز
۷۳	۶-۹-۲	معیار تجربه و آزمایش روایات از دیدگاه دانشمندان
۷۳	۱-۶-۹-۲	ابن قیم جوزی
۷۳	۲-۶-۹-۲	ابوالحسن شعرانی
۷۳	۳-۶-۹-۲	صلاح الدین ادلبی
۷۴	۴-۶-۹-۲	حسین الحاج حسن
۷۴	۵-۶-۹-۲	ادله قرآنی
۷۵	۶-۶-۹-۲	ادله روایی



۷۵	۷-۹-۲ نمونه بررسی حدیث طبّی توسط علم روز
۷۶	۸-۹-۲ تعارض احادیث طبّی با علم روز (تجربه و آزمایش)
۷۷	۹-۹-۲ نمونه تعارض روایت با علم روز (حدیث ذباب و علم روز)
۷۹	۱۰-۲ واکاوی بحث های رجالی در سند روایات طبّی
۷۹	۱-۱۰-۲ مقدمه
۸۱	۲-۱۰-۲ وضعیت سندی روایات طبّی
۸۲	۳-۱۰-۲ تسامح در ادله سنن
۸۲	۴-۱۰-۲ دلایل و مستندات قاعده‌ی تسامح
۸۶	۵-۱۰-۲ اعتبار سندی اخبار
۸۷	۶-۱۰-۲ جایگاه اخبار من بلغ در عرصه روایات طبّی
۸۸	۷-۱۰-۲ نتیجه گیری

### ۳ فصل سوم: فرآیند گونه شناسی و اعتبارسنجی احادیث طبّی با بررسی تطبیقی روایات طبّی الکافی

۸۹	۱-۳ اهمیّت کتاب الکافی در منابع روایی شیعه
۹۱	۲-۳ کلینی و مسئله «دینی» دانستن آموزه های طبّی
۹۲	۳-۳ رویکرد کلینی به احادیث طبّی
۹۵	۴-۳ گونه شناسی روایات طبّی در الکافی
۹۶	۱-۴-۳ روایات توصیفی
۹۷	۲-۴-۳ روایات توصیه ای / دستوری (تجویزی)
۹۷	۳-۴-۳ روایات پیشگیری
۱۰۲	۴-۴-۳ روایات درمانی
۱۰۶	۵-۴-۳ متفرقه
۱۰۶	۶-۴-۳ روایات مسواک زدن
۱۰۷	۷-۴-۳ روایات أقسام المیاه
۱۰۸	۸-۴-۳ روایات آداب الجماع
۱۰۸	۹-۴-۳ کیفیت تناول الطعام و الشراب
۱۰۹	۱۰-۴-۳ فصول السنه
۱۱۰	۱۱-۴-۳ صفة الشراب الحلال
۱۱۱	۱۲-۴-۳ فی السواک
۱۱۲	۱۳-۴-۳ أحوال الإنسان المختلفة
۱۱۳	۱۴-۴-۳ آداب الحجامة

۱۱۳	۱۵-۴-۳ المحاذیر
۱۱۶	۱۶-۴-۳ بعض تدابیر حفظ الصحه
۱۱۷	۱۷-۴-۳ أقسام المیاه
۱۱۷	۱۸-۴-۳ آداب الجماع
۱۱۸	۱۹-۴-۳ وصایا عامه
۱۱۹	۲۰-۴-۳ تغییر الأمزجه بحسب تغییر الهواء
۱۱۹	۲۱-۴-۳ کیفیة استعمال النوره
۱۲۱	۲۲-۴-۳ فی النوم
۱۲۱	۲۳-۴-۳ الحمام و آدابه
۱۲۲	<b>۵-۳ منابع طبّی الکافی</b>
۱۲۳	۱-۵-۳ کتاب الطبّ ابو محمد ابن فضال کوفی
۱۲۴	۲-۵-۳ کتاب الطبّ ابوالحسن ابن فضال کوفی
۱۲۵	۳-۵-۳ کتاب الطبّ ابو عبدالله سیّاری
۱۲۶	۴-۵-۳ کتاب الطبّ ابو جعفر اشعری قمی
۱۲۶	۵-۵-۳ کتاب الطبّ ابوالعباس حمیری
۱۲۷	۶-۵-۳ المحاسن ابو جعفر برقی
۱۲۸	۷-۵-۳ برخی منابع احتمالی
۱۲۹	<b>۶-۳ تقسیم بندی و گونه شناسی روایات طبی</b>
۱۲۹	۱-۶-۳ گونه شناسی احادیث پزشکی
۱۳۰	۲-۶-۳ توصیه‌های کلی پزشکی
۱۳۰	<b>۷-۳ فقه و حقوق پزشکی</b>
۱۳۰	۱-۷-۳ اخلاق پزشکی
۱۳۱	۲-۷-۳ بهداشت و طب پیشگیری
۱۳۱	۳-۷-۳ خواص گیاهان و میوه‌ها و خوراکی‌های گوناگون
۱۳۱	۴-۷-۳ طب روحانی و التیام با قرائت آیات و ادعیه و ذکرها
۱۳۲	۵-۷-۳ روایات طب علاجی
۱۳۳	<b>۸-۳ اعتبارسنجی روایات طبی</b>
۱۳۳	۱-۸-۳ نقد و اعتبارسنجی
۱۳۴	۱-۱۸-۳ گردآوری کامل
۱۳۴	۲-۱۸-۳ حسن سوال (پرسش درست)
۱۳۵	۳-۱۸-۳ فرضیه‌سازی بر پایه داده‌های حدیث

۱۳۶	۴-۱-۸۳ صحت انتساب
۱۳۶	۵-۱-۸۳ ریزپردازی و نه نظریه پردازی
۱۳۷	۶-۱-۸۳ آزمون فرضیه
۱۳۸	۹-۳ مشکلات اعتبارسنجی
۱۳۸	۱-۹-۳ تقدس داده‌های دینی
۱۴۳	۲-۹-۳ ناآشنایی با روش‌های تجربی
۱۴۳	۳-۹-۳ راه‌های به بن بست رسیده
۱۴۴	۴ نتیجه گیری

۱۴۷	منابع و مأخذ
-----	--------------

## فصل اول: کلیات و مفاهیم

### ۱-۱ مقدمه

رجوع به احادیث در فهم آموزه‌های دین مبین اسلام، عملکردی همواره آشنا در فضای اندیشه دینی است؛ از همان صدر اسلام، نه تنها عالمان مسلمان برای فهم ژرفای دین به سراغ احادیث می‌رفته‌اند، بلکه حتی برای تنظیم زندگی و آداب آن برای عامه مردم، در سطح گسترده‌ای از حدیث استفاده می‌شده است. آنگاه که سخن از بهره‌برداری از احادیث در یک حوزه دانشی است، به طبع مبانی و روش‌های استناد به حدیث و استفاده محتوایی از آن اهمیت ویژه‌ای می‌یابد و ضرورت نگاه تخصصی به موضوع مطرح می‌شود. هم آنان که در گذشته به احادیث طبی به عنوان بخشی از تنظیم زندگی روزمره نگاه می‌کردند، در بهداشت و درمان به سمت حدیث رفته‌اند و هم امروز که احادیث طبی در سطوح دانشگاهی مطرح می‌شود، ضرورت نگاه تخصصی، خود می‌نماید.

روایات طبی بخش قابل توجهی از احادیث معصومان را تشکیل می‌دهد. از مسائل مهم در استناد به این روایات، شیوه اعتبار سنجی آنها از جهت سند و متن می‌باشد. بررسی پژوهش‌های پیشین حکایت از آن دارد که رجالیان نسبت به سند روایات پزشکی معیار خاصی ارائه ننموده‌اند و شیوه اعتبارسنجی سندی این روایات را باید در میان شیوه‌های عمومی ذکر شده برای اعتبار سنجی سندی روایات دیگر جست و جو کرد.

هر چند در اعتبار سنجی متنی روایات طبی نیز قواعد عمومی اعتبار سنجی متنی روایات جاری می‌شود، به نظر می‌رسد در این بخش میزان بهره‌گیری از هر یک از قواعد با توجه به موضوع روایت متفاوت باشد؛ از همان رو، در روایات طبی باید جایگاه هر یک از قواعد عمومی اعتبارسنجی متنی روایات بررسی و مهم‌ترین قواعد قابل استفاده در این دسته معرفی گردد و دلیل انتخاب این قواعد نیز بیان شود.

بخشی از موضوع اعتبارسنجی روایات طبی به شیوه حل تعارض بین این روایات و نتایج حاصل از پیشرفت علوم روز باز می‌گردد. توسعه علوم تجربی به ویژه در دوره معاصر در حوزه مباحث طبی بسیار وسیع و جالب توجه است و در مواردی، نتایج این توسعه علمی در تعارض با روایات طبی نقل شده از اهل بیت (ع) به نظر می‌رسد. آیا اعتبار روایات طبی به میزانی است که حتی در صورت تعارض با نتایج علمی نیز باید مورد عمل قرار گیرد یا اینکه نتایج حاصل از تجربه بر اعتبار روایات آحاد مقدم است؟

✦

### ۲-۱ طرح مسئله و ضرورت آن

بارور شدن علوم اسلامی، زاینده‌ی رویارویی همه‌جانبه‌ی آن‌ها با زندگی بشر است. برای نمونه هنگامی که دانش فقه، خود را متکفل پاسخگویی به باید و نباید زندگی دید و افزون بر بایسته‌های زندگی به شایسته‌ها نیز پرداخت و دروازه‌ی پرسش را به سوی هر مکلفی گشود، نیازمند نگاهی نو به سرمایه‌های خود شد. در

تعامل با احادیث و روایات پرکاربرد، ضروری است که آن‌ها را سرمایه‌ای ماندگار و نه کالایی مصرفی ببینیم؛ بنابراین نیازمند آن هستیم که احادیث را نه جملائی کوتاه، بلکه اصل‌هایی بنیادین و قابل جریان در بسیاری از صحنه‌های زندگی بدانیم.

آنچه در اینجا رعایتش لازم است، تقیّد به منطق و شیوه‌ی درست فهم حدیث است، یعنی داده‌های تجربی علمی باید از طریق روش‌های رایج، معنای جدید و تازه فهم را به حدیث نسبت دهد و با قواعد زبان عربی و دیگر ضابطه‌های حاکم بر فهم نصوص دینی، سازگار باشد.

در همین راستا ناظر به موضوع گستره‌ی شریعت و فقه، باید افزود که موضوع «سلامت» انسان در کنار دیگر ساحات حیات اجتماعی او هم‌چون فرهنگ و تربیت، اقتصاد و سیاست و ... از مهمترین ابعاد انسانی است که دین نیز توجه وافر به آن نموده و دانش فقه اسلامی نیز منظومه‌ای به هم پیوسته و نظام‌مند از بایسته‌های الزامی را برای آن در خود جای داده است که نیازمند اکتشاف و ارائه می‌باشد (سعدی، ۱۳۹۷، ۱: ۳۶۲).

ترسیم منظومه‌ی علوم و کشف ارتباطات بین‌علوم‌ی یکی از مؤثرترین روش‌ها برای تبیین نظام‌مند پژوهش میان‌رشته‌ای است. به نظر می‌رسد شناخت الگوهای علم دینی در مباحث علوم انسانی و کاربرست آن در مطالعات علوم طبیعی و پزشکی، کمی فضا را برای شناخت زمینه‌های ارتباط طب و دین روشن می‌نماید. توجه به این مسئله ضروری است که دانش فقه به مثابه‌ی یکی از علوم دینی، صرفاً نظام و به تعبیر دیگری مکتبی از گزاره‌های کلان و ارزشی را که جهت‌دهی ناظر به علم طب خواهد داشت، را ارائه می‌دهد، زیرا اساساً شأن و وظیفه‌ی دین ارائه‌ی ساختار و نظام مسائل علمی نیست (صدر، ۱۴۲۴، ۳: ۳۶).

زمانی که امر پژوهش در خصوص سنجش احادیث و روایات طبی با استفاده از ظرفیت دانش اصول فقه، به حیطه‌ی فهم و فقه الحدیث وارد می‌شود، بیش از هر زمان دیگری درک این موضوع لزوم خواهد داشت که دانش به ودیعه نهاده شده در احادیث، به شدت با دانش عرفی و علم تجربی در هم تنیده و مختلط شده است.

به همین جهت، تنها راه دستیابی و رسیدن به شاکله‌ای نظام‌مند و معرفتی کارآمد از خلال احادیث و روایات حوزه‌ی طب و پزشکی، جستجوی مسیری به منظور پیوند دادن آن با دانش تجربی و عرفی است (پاکتچی، ۱۳۹۶: ۴۷).

بنابراین در بحث از قلمروی فقه پزشکی و ظرفیت‌های فقه اسلامی و اصول الفقه، باید به دنبال مبانی و اصول مستخرج از ادله‌ای بود که می‌تواند فقه نظامات را برای ما تداعی نماید. وجود این مبانی و اصول نیز حاکی از اهمیت موضوع سلامت و پزشکی از منظر شریعت اسلامی می‌باشد.

در متون اسلامی، دانش پزشکی از جمله مهمترین دانش‌های نافع شمرده شده است (العلم علمان، علم الادیان و علم الابدان) و حتی برخی از حکما و فیلسوفان علم اسلامی، پزشکی را در زمره‌ی علوم قدسی

به شمار آورده‌اند. پیوند تدین و پزشکی تا بدانجاست که دانشمندان اسلامی، پزشکان را موحدان واقعی می‌دانستند چرا که می‌گفتند مُحال است که پزشکی، با تجربه‌کردن و دریافتنِ عجایب خلقت در بدن انسان به درجات رفیع توحید نرسد (محمدی، ۱۳۹۷، ۱: ۵۹).

بحث گستره‌ی شریعت و قلمرو دین یکی از مباحث دینی معاصر است که به دغدغه‌های اجتماعی در حکومت دینی پاسخ می‌گوید؛ یعنی پس از تعیین روش صحیح مسئله‌ی گستره‌ی شریعت و نیاز بشر به دین، نوبت به تعیین دامنه‌ی دین در عرصه‌ی علوم طبیعی، انسانی و فلسفی می‌رسد. در این محور مشخص می‌شود که آیا دین به تمام پرسش‌های این حوزه پاسخ می‌دهد و آیا قلمرو دین اسلام حداقلی است یا حداکثری؟ (خسرپناه، ۱۳۸۲: ۱۸).

آنگاه که سخن از بهره‌برداری از احادیث در یک حوزه‌ی دانشی است، به طبع مبانی و روش‌های استناد به حدیث و استفاده‌ی محتوایی از آن اهمیت ویژه‌ای می‌یابد و ضرورت نگاه تخصصی به موضوع مطرح می‌شود. هم آنان که در گذشته به احادیث طبی به عنوان بخشی از تنظیم زندگی روزمره نگاه می‌کرده‌اند، در بهداشت و درمان به سمت حدیث رفته‌اند و هم امروز که احادیث طبی در سطوح دانشگاهی مطرح می‌شود، ضرورت نگاه تخصصی، خود می‌نماید (پاکتچی، ۱۳۹۶: ۱۳).

از طرفی جستجوی روش‌ها و افق‌های نو، به معنای نفی اجتهاد سنتی یا جواهری نیست، بلکه راه ثمربخش نیز بی‌شک از تجربه‌ها و اندوخته‌های پیشینیان آشکار می‌شود. بنابراین با تحفظ بر محکومات موجود در فقه سنتی جواهری، می‌بایست از بازنگری در آنها نیز سود ببریم.

در این میان با توجه به شأنی که دانش فقه در مشروعیت‌بخشی به موضوعات و احکام مستنبطه از دین دارد، می‌توان با سنجش ظرفیت‌های دو دانش فقه و اصول فقه و تبیین قلمروی فقه پزشکی با بهره‌گیری از گزاره‌های فقهی طبی، اعتبار و تأمین حجیت ماحصل آن را از منظرگاه فقه و با روش‌شناسی‌های نوین و متکامل اجتهاد جواهری به نظاره نشست. هم‌چنین ذکر این نکته نیز بسیار ضروری به نظر می‌رسد که ضرورت پرداختن به سوءبرداشت‌ها از رابطه‌ی دین اسلام و علم طب و اهمیت آن، از آن جهت است که این بحث با سلامت انسان‌ها و به ویژه جامعه‌ی اسلامی گره خورده است.

از جمله عرصه‌هایی که در احادیث مأثوره از نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصومان علیهم‌السلام زیر ذره‌بین محققان و پژوهشگران حوزه‌ی فقه الحدیثی قرار گرفته، حوزه‌ی طب و بهداشت می‌باشد. وجود این طیف از احادیث در فقه امامیه، قطعاً نمایان‌گر آن بوده که بین علم و دین، تعامل و ارتباط بسیار نزدیکی وجود داشته و قلمرو دین و شریعت علاوه بر اینکه عرصه‌های معنوی و امور مربوط به سعادت آدمی را تأمین می‌نماید، شئونی هم‌چون طب و بهداشت و درمان را نیز شامل می‌گردد (نصیری، ۱۳۸۷: ۹۳-۱۱۲).

از میان موضوعات مختلفی که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه‌ی اهل بیت علیهم‌السلام به پیروان خویش ارزانی داشته‌اند، بخش قابل‌اعتنایی به آموزه‌های طبی اختصاص دارد؛ همان که «طب النبوی» یا «طب الأئمه»

نامیده می‌شود. این عناوین به مجموعه‌ای از گزاره‌های توصیفی و دستوری منتسب به پیامبر و امامان شیعه اطلاق می‌شود که دربردارنده‌ی بهداشت تن و روان، حفظ سلامتی، درمان بیماری و حتی خواص و طبیعت خوراکی‌ها باشد. در نصوص اسلامی، نشانه‌های بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد تا چه حد، علم طب جایگاه والایی نزد پیشوایان دین دارد (میرحسینی، ۱۳۹۷، ۱: ۲۶۷).

آنچه که جزء ویژگی‌های ممتاز و منحصر به فرد شریعت اسلامی در تعامل با مسئله‌ی طب و سلامت می‌باشد، این است که اکثریت غالب معتقدان به دین اسلام هم پذیرفته‌اند که فقه اسلامی، با فطرت و تحولات زمانی هماهنگ می‌باشد (کرمی، ۱۳۹۵، ۲۳). در عین اینکه به بررسی مشکلات زندگی و حیات بشری می‌پردازد، برای آن‌ها راه‌حل‌هایی را ارائه می‌نماید که متضمن سختی و مشقت نیستند (قرشی، ۱۳۸۸: ۲۱).

اگر نیاز انسان به دین را یک بحث برون‌دینی قلمداد نمائیم، آن وقت آنچه را که انسان خودش فی نفسه می‌تواند تأمین و مهیا نماید، در آن بی‌نیاز از دین خواهد بود و تنها در حوزه‌هایی به دین مراجعه می‌نماید که امکان فراهم کردن آن‌ها با تکیه بر عقل و تجربه‌ی خویش را نداشته باشد.

این نوع دیدگاه و رویکرد نشان‌دهنده‌ی این است که نیازهای بشری مهم بوده و و دین کارکردی جز رفع نیاز ندارد، در این صورت ارزش دین در حد رفع نیاز تنزل پیدا خواهد کرد. حتی می‌توان این‌گونه تعبیر نمود که در نگاه برون‌دینی با رویکرد اومانستی به گستره‌ی شریعت توجه می‌گردد.

لکن در رویکرد درون‌دینی، این مسئله که تعریف انسان و نیازهای او شامل چه مسائلی می‌باشد، تعریف گردیده و اینکه دین و شریعت چه پاسخ‌هایی برای آن دارد نیز تبیین می‌گردد.

مقوله‌ی قلمرو دین و گستره‌ی شریعت، از جمله مسائل دینی معاصر است که به احساس نیازهای اجتماعی در حکومت دینی پاسخ می‌گوید؛ به عبارتی دیگر بعد از مشخص نمودن روش صحیح مسئله‌ی گستره شریعت و نیاز انسان به دین، نوبت به تعیین دامنه‌ی دین در عرصه‌ی علوم طبیعی، انسانی و فلسفی می‌رسد. در این مرحله نمایان می‌گردد که آیا دین به تمام سؤال‌های این حوزه پاسخ می‌دهد و آیا قلمرو دین اسلام حداقلی است یا حداکثری؟ (خسروپناه، ۱۳۸۲: ۱۸).

طبیعتاً به منظور ورود به حوزه‌ی گستره‌ی شریعت می‌بایست تعریفی مشخص از دین داشت و آن عبارت است از مجموعه‌ای از حقایق، هنجارها و ارزش‌هایی که به وسیله‌ی وحی و یا الهام‌گیری از عالم ملکوت و یا اینکه هر راه دیگری هم‌چون عقل انسان به جهت ارشاد، هدایت و سعادت انسان‌ها بر انبیاء الهی نازل می‌شود که البته می‌توان از قالب و صورت نهایی این دین نیز به نام «اسلام» نام برد.

این تحقیق به‌عنوان یک کار پژوهشی مورد استفاده محققان و پژوهشگرانی قرار خواهد گرفت که بدنبال سیر علمی در موضوعات فقه مضاف خصوصاً در حوزه‌ی پزشکی و سلامت و نقش دانش فقه و اصول فقه در این حوزه‌ها هستند. کار اجتهادی در این حوزه باعث می‌شود روایات طبی بجا و با توجه به قواعد اصولی و فقهی مورد استفاده قرار گیرند. البته رویکرد کلی راقم این سطور بر این می‌باشد که آراء و نظرات

پنهان‌شده‌ی فقها و اندیشمندان علوم اسلامی در تواریخ را گردآوری نموده و تبیین دقیق و جامعی در این حوزه ارائه نماید که البته این امر در جای خود یک نوع نوآوری در موضوعات فقه مضاف به شمار می‌رود، هرچند انتظار آنست که به منظور پیشرفت هر چه بهتر موضوع، به برخی حوزه‌های رجالی و حدیثی مرتبط با فصول پژوهش نیز در کنار کار فقهی ورود پیدا کرد.

### ۳-۱ سؤالات پژوهش و فرضیه

اگر دین را مجموعه‌ای از حقایق و ارزش‌هایی که از طریق وحی یا الهام و یا هر طریق دیگری مانند عقل برای هدایت و سعادت انسان‌ها بر پیامبران نازل می‌گردد، در نظر بگیریم و صورت نهایی این دین هم اسلام ناب باشد، در مسئله‌ی گستره شریعت در حوزه‌ی فقه پزشکی چه رویکردها و نگرش‌هایی در باز تعریف فقه نظام الصحه ترسیم و طراحی می‌گردد؟ و به طور اخص خاستگاه روایات طبی در شکل‌گیری این مفهوم چه بوده و ظرفیت دانش فقه امامیه در اعتبارسنجی دلالتی و جهتی آن گزاره‌های فقهی طبی، چگونه تبیین می‌گردد؟

#### فرضیه:

فرضیه ما این است که گستره‌ی فقه اسلامی با رویکرد «فقه النظریات» و با استفاده از تراث فقه سنتی جواهری می‌تواند شامل حوزه‌ی گسترده‌ی علم الطب بصورت یک نظام کلی بشود و دانش فقه امامیه با بکارگیری ظرفیت‌های دانش اصول فقه الگوهایی را ارائه می‌کند، که می‌تواند با تغییراتی در حوزه روایات طبی، کاربرد داشته باشد. البته که در این مسیر می‌بایست به رسالت اصلی پیشوایان دین مبین اسلام توجه نمائیم.

### ۴-۱ سابقه‌ی پژوهش

در موضوع مورد بحث اشاراتی در قالب پژوهش‌های پراکنده ذیل موضوعاتی غیرمستقل صورت پذیرفته است که البته بنا به جستجوهای که انجام گرفته، هیچکدام حق مطلب را بصورت درخور و شایسته ادا ننموده و ضرورت تبیین این موضوع ذیل یک پژوهشی جامع و هدفمند بسیار بیش از پیش حس می‌گردد. متأسفانه با وجود اهمیت این بحث و استناد این موضوعات به دین اسلام، عالمان دینی و حوزه‌های علمیه، آن چنان‌که شایسته است، به پژوهش و نشر در این حوزه‌ها نپرداخته‌اند؛ این در حالی است که بسیاری از شبهات پیش آمده در بین عامه و حتی پژوهشگران علوم دینی، نشأت گرفته از عدم بحث علمی و تولید محتوا می‌باشد. استفاده از روایات طبی اغلب توسط کسانی صورت می‌گیرد که تخصصی در فقه و اصول و رجال ندارند، بارها دیده شده روایتی مورد استفاده پزشکی قرار می‌گیرد که نه تنها مجعول است دلالت هم



ندارد. این افراد برای قطعیت دادن به روش درمانی خود به احادیث استناد می‌کنند و مدعی این هستند که دین اسلام یک نظام جامع و مانعی را در حوزه طب و سلامت بدون نیاز به علوم جدید و بهره‌گیری از دانش تجربی ارائه نموده است که همین مسبب مشکلات عدیده‌ای شده است. با توجه به این وضعیت ضرورت دارد با ملاحظه‌ی کارهای اجتهادی انجام شده و ترجیح برخی بر برخی دیگر و آسیب‌شناسی در این حوزه به شبهات حاصله پاسخ مناسب داد. البته مجموعه مقالات مجله پژوهش و حوزه (شماره ۱۷ و ۱۸) و مقالات: «درآمدی بر جایگاه روایات پزشکی»، «اعتبار رساله ذهبیه» و «تعامل حدیث با دانش‌های بشری»، جستارهایی در اعتبارسنجی و فهم روایات طبی و پایان‌نامه‌هایی با موضوعات «کشف کلیات فقه نظام الصحه»، «حجیت اخبار آحاد و شخصی و مکانی بودن روایات طبی» از جمله آثار قابل ذکر که بصورت جسته و پراکنده به موضوع مورد نظر اشاراتی داشته‌اند، در این زمینه می‌باشند. آنچه که بصورت کلی می‌توان بدان‌ها نقد وارد نمود، موضوع عدم ارائه‌ی مباحث عملیاتی به‌مراه عدم بررسی تطبیقی و موردی که کاربرد آن در پژوهش‌ها ظرفیت استفاده را داشته باشد، می‌باشد و اینکه صرفاً به کلیات پرداخته و فقط مجال مباحث تئوری را داشته‌اند. تفاوت این پژوهش علی‌رغم غور در حوزه‌های جدیدتر، سعی راقم آن در بررسی تطبیقی و موردی کلیات گونه‌شناسی و اعتبارسنجی روایات طبی اثر گرانقدر مرحوم شیخ کلینی <sup>رحمة الله علیه</sup> «الکافی» می‌باشد.

## ۵-۱ بررسی مفاهیم فقه، فقه پزشکی، دین حداقلی و حداکثری، رسالت فقه

### ۱-۵-۱ بررسی مفهوم فقه

#### ۱-۱-۵-۱ معنی لغوی

با توجه به روشن بودن معنای لغوی فقه، اشاره ای اجمالی بر این موضوع کافی می‌باشد، در مورد معنای لغوی فقه بیان شده است که «الفهم، و العلم، و الفطنه، و قيل: فهم الأشياء الدقيقة» (عبدالمنعم، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۴۹) که در ترجمه این عبارت باید بیان کرد «فهم و علم و گیرایی و همچنین بیان شده است: فهم دقیق اشياء» و همچنین «العلم بالشیء، ثم خص بعلم الشریعة» (ابوجیب، ۱۴۰۸، ص ۲۸۹) که در ترجمه این عبارت باید بیان کرد «علم به شیء، سپس تخصیص علم به شریعت» که در هر دو تعریف، تاکید بر فهم عمیق و دقیق است و هر فهمی که از مصادیق این نوع فهم و درک باشد، مصداقی از مصادیق فقه تلقی می‌شود که در ادامه با توجه به این که شناخت دین و اندیشه دینی، نیاز به تعمق و تأمل فراوان داشته است، فقه در اصطلاح لغوی به فهم دین و اندیشه دینی اختصاص دادند.

## ۲-۱-۵-۱ معنی اصطلاحی

بعد از تعریف لغوی فقه، باید معنای اصطلاحی آن را مورد واکاوی قرار داد که در این مورد بیان شده است که فقه: « هو العلم بالأحكام الشرعية الفرعية» (جزائری، ۱۴۰۱، ص ۴۱) و همچنین « الفقه فی الاصطلاح هو العلم بالأحكام الشرعية الفرعية أو تحصیل الوظائف العملية عن الأدلة التفصیلیة. فخرج بقید الفرعية العلم بأحكام أصول الدین، کوجوب الاعتقاد بالمبدإ تعالی و صفاته و الاعتقاد بالنبوة و الإمامة و المعاد و نحوها، فإنها تسمى أحكاما شرعية أصولية» (مشکینی اردبیلی، ۱۳۷۴، ص ۱۸۰)؛ لذا علمی را که با تامل و تدقیق همراه باشد و بر گزاره های اسلامی تاکید داشته باشد، فقه در معنای اصطلاحی تلقی می کنند، به عبارت دیگر در جمع بندی معنای اصطلاحی می توان بیان کرد که « التحقیق ان الجمیع یرجع إلی الفهم فانه هو المتبادر منه عند اطلاقه فی کلام العرب» (کاشف الغطاء، بی تا، ص ۶).

اما نکته ای که وجود دارد این است که امروزه فقه را در معنای اصطلاحی، منحصر در ابواب فقهی موجود می دانند و فقه، محدود به مسائل و مباحثی است که ناظر به احکام می باشد؛ درحالی که این برآیند و تعریف از فقه در گفتمان نظام سازی فقهی دستخوش تغییر می شود و مراد از فقه در نظام سازی فقهی، همان معنای اصطلاحی فقه می باشد و رویکرد شهید صدر در احیاء اندیشه دینی، بازگشت به جامعیت دین می باشد و درصدد هستند نظام های اسلامی را برآمده از کلیت اندیشه دینی طرح و بسط نمایند نه این که تاکید بر مباحث و مسائل فقهی مصطلح داشته باشند. لذا فقه در گفتمان نظام سازی فقهی، بازگشت دارد به معنای اصطلاحی فقه که فهم عمیق از دین می باشد.

## ۲-۵-۱ رسالت فقه

هدف فقه کشف احکام الهی است. قوانین الهی، در مورد تمامی وقایع و موضوعات به صورت مشخص و دقیق بیان نشده است. هدف فقه این است که از طریق منابع و براهین فقهی، در تمامی مواردی که بشر نیازمند دانستن حکم الهی آن است به کنکاش پرداخته، قوانین مربوط به هر مورد خاص را کشف کند. در یک تقسیم بندی، اهداف فقه را می توان به اهداف دنیوی و اخروی تقسیم نمود. در اهداف اخروی، تلاش فقه و اندیشه فقهی بر این است که معذرت و منجزیت را برای انسان تحصیل کند و انسان در از گرفتاری به عقوبت الهی رهایی بخشد و سعادت اخروی را برای انسان به ارمغان بیاورد. اما آن چه که از ضرورت بیشتری برخوردار می باشد، بحث از اهداف دنیوی فقه می باشد و این که اسلام با ابزار فقه، درصدد تحقق چه اهدافی می باشد که در پاسخ باید بیان که با توجه به ظرفیت های قابل ملاحظه ای که فقه و اندیشه اسلامی در اختیار دارد، توان اداره جامعه و مدیریت تمام شئون انسان را می تواند بر عهده بگیرد و مسائل انسان و جوامع را از اقتصاد و سیاست گرفته تا چالش های فرهنگی و تربیتی مدیریت و ساماندهی کند. لذا

رسالت فقه در حیات اخروی، تامین سعادت انسانی می باشد و در حیات دنیوی، درصدد مدیریت و سامان بخشی زندگی انسان در تمام عرصه ها و مسائل می باشد.

### ۳-۵-۱ فقه پزشکی

فقه پزشکی، از یک سو شامل مطالعاتی میان رشته ای می باشد که برای دست یابی به نتایجی واقعی و مفید، نیازمند بهره گیری از دانش های مختلفی همچون فقه، حقوق، اخلاق و پزشکی اند. از دیگر سو، حاوی مطالعاتی تطبیقی هستند، چرا که عنوان فقه ناظر به دانشی است که گستره آن دست کم دربرگیرنده چهار دستگاه فقهی در میان اهل سنت (فقه حنفی، فقه حنبلی، فقه مالکی، فقه شافعی) و یک دستگاه فقهی در میان شیعیان (فقه امامیه) است.

بر اساس نتایج به دست آمده، فقه پزشکی برای هر رویداد و پدیده ای در حیطه ی پزشکی که معمولاً جنبه ی بیرونی دارد، به تعیین حکم می پردازد و مکلفان وظیفه دارند آنها را به عنوان حکم خداوند، اجرا نمایند. اما اخلاق پزشکی، شامل ضوابط و مقررات بسیار وسیع و متنوع مرتبط با هرگونه عملکرد و رویداد بیرونی و درونی در حوزه ی پزشکی است که عموماً باعث ارتقای کیفی گردیده ممکن است همسان یا متفاوت با احکام فقهی باشند و علیرغم مطرح شدن آنها به صورت دستورالعمل، تأکید به پیروی از آنها همانند الزام به اجرای احکام فقهی نیست (طباطبایی و علم الهدی، ۱۳۹۱، ص ۱). بنابراین در مقام جمع بندی باید بیان کرد که فقه پزشکی، آن دسته از مطالعات، پژوهش ها و بررسی هایی می باشد که به صورت میان رشته، درصدد تحلیل و واکاوی مسائل و چالش های پزشکی با تأکید بر مبانی و رویکردهای اسلامی می باشد که نتیجه این پژوهش ها، مضاف بر پاسخ گویی و ارائه راهکار به مسائل و چالش های پزشکی، دامنه ی موضوعی و تحلیلی اندیشه اسلامی را در حوزه مسائل پزشکی مورد بسط قرار می دهد.

### ۴-۵-۱ دین حداقلی

«قلمرو دین» یکی از مباحث مهم و نوپیدای دین پژوهی مدرن و انسان معاصر است که امروزه بخشی از مباحث فلسفه دین و کلام جدید را به خود اختصاص داده است. پاسخ های گوناگونی به این مسأله داده شده است و هریک از دانشمندان از منظر خاص به این بحث نگریسته اند برخی از موضع دینی به این بحث پرداخته و عده ای هم تبیینی سکولاریستی از آن ارائه داده اند.

به طور کلی، دیدگاه های مختلف در باب قلمرو دین را می توان به دو دیدگاه عمده تقسیم کرد: ۱. دیدگاه حداقلی؛ ۲. دیدگاه حداکثری. بر اساس دیدگاه حداقلی یا انتظار اقلی از دین، قلمرو دین در امور اجتماعی، سیاسی و اخلاقی - فقهی به حداقل تحویل و فروکاهش (reduction)، و شرع در این موارد حداقل لازم را

به ما آموخته است نه بیش از آن را در واقع، «بینش اقلی»، خود را در امور آخرتی محدود و منحصر کرده، و در امور دنیایی هم به حداقل لازم بسنده کرده است؛ اما نظریه «دین حداکثر» جامع‌نگر بوده و هر دو امور دنیایی و آخرتی را شامل می‌شود. به عبارت دیگر، رسالت و جهتگیری دعوت انبیا محدود به تأمین سعادت آخرتی انسان نیست و نیازمندی‌های بشر در عرصه اجتماع و سیاست، تعلیم و تربیت و... را نیز در بر می‌گیرد.

نظریه دین حداقلی، امروزه میان روشنفکران و نواندیشان دینی رواج دارد. اینان با محصور کردن دین در سعادت آخرتی، منکر دخالت و حضور دین در عرصه اجتماع و امور سیاسی هستند و بدین طریق، دین را سکولاریزه کرده، به جدایی دین از سیاست (یا دین و دنیا) قائل هستند. در مقابل، استاد مطهری از نظریه دین حداکثری دفاع کرده و از همگرایی و همسویی دین و دنیا سخن گفته و دیدگاهی جامع‌نگرانه در این باب اتخاذ کرده است. آن چه در این نوشتار می‌آید، درآمدی بر آرا و اندیشه‌های شهید مطهری در باب قلمرو و گستره دین است. تذکر این نکته لازم است که منظور از تبیین قلمرو دین، قلمرو واقعی دین است، نه ترسیم قلمروی برای آن تا مستلزم تعیین تکلیف برای خدا باشد (فناپی، ۱۳۷۵: ص ۲۹۳).

بحث از قلمرو دین بر مبانی و اصولی استوار است که پرداختن به آن مبانی در روشنی بخشیدن و شفاف‌سازی دیدگاه شهید مطهری در باب، نقش مهمی را ایفا می‌کند. مبنای مهم و اساسی که می‌توان در اندیشه غالب متکلمان و اندیشه‌وران یافت، این است که «هدف و جهتگیری دعوت انبیا چیست؟» و آیا دین برای پاسخگویی به همه نیازها و خواسته‌های بشر آمده یا خود دین قلمرو و انتظارات بشر را ترسیم کرده است (عباسی، ۱۳۸۲).

## ۱-۵-۵ دین حداکثری

جامعیت دین، تعبیر دیگری از «دین حداکثری» است که در مقابل نظریه «دین حداقلی» قرار دارد. فائلان به دیدگاه حداقلی، جامعیت دین را انکار می‌کنند. بر این اساس، به نظر آن‌ها، رسالت روشنفکران دینی که از بیرون به دین نظر می‌کنند، و در فکر اصلاح و احیای دین هستند و به شکاف و گسست میان سنت و مدرنیته حساسند، آموختن این نکته است که «دین اکثری» نافی خود دین است و در یک کلام، روشنفکر دینی باید با نگاه «تقلیل‌گرایانه» به دین بنگرد و آن را فاقد عنصر جامعیت و جاودانگی بداند. اینان «قلمرو دین» را هم به لحاظ گستردگی شمول آن در تمام امور زندگی (این جهان و آن جهان)، و هم به لحاظ عمومیت آن برای سایر افراد و جوامع، و هم به لحاظ بُرد و کشش زمانی آن تا روز قیامت، تضییق و تحدید می‌کنند؛ بنابراین، دین در نگاه این دسته از